



علی قائمی

### د- علل وعوامل فرهنگی

جد بسیارند انگیزه‌ها وعواملی که سبب عقب ماندگی کودکی ولی ریشه ومبنای فرهنگی دارند. ما دراین زمینه ازمباحث ومسائل بسیاری باید نام ببریم که اهم آنها عبارتنداز:

#### ۱- پائین بودن سطح فرهنگی والدین :

اغلب پدران ومادران بیسوادندودرنتیجه نه قادر به کمک‌رسانی نسبت به فرزنداندان خویشند ونه توانائی کنترل درسی آنها رادارند درنتیجه کودکان بخود واگذار شده اند حال اگر طفلی سربهوا ویادردرسی ضعیف باشدناگزیر درهمان حالت باقی میماند وامکان راهیابی و نجات برای او نخواهدبود .

# عقب ماندگی درسی کودکان

سردر نمی‌آورند و یا در برابر روش معلم دچار نوعی گنجی و بهت‌زدگی هستند و طبیعی است که فرجام چنین امری به عقب ماندگی آنها منجر شود. نقص چنین شیوه و روشی بر همه افراد کلاس اثر میگذارد نه یک نفر. و بر این امر عدم وسایل و ابزار آموزش دامن میزند.

#### ۵- مدارس نیمه وقت :

از علل عقب ماندگی درسی کودکان وجود مدارس نیمه وقت است که در آن دانش‌آموزان فرصت کافی برای بهره‌مندی از کار و درس معلمان را ندارند. کودکان رسماً " بمدت چهار ساعت در مدرسه‌اند ولی در عمل شبانه‌روزی سه ساعت درس میخوانند و بقیه اوقات را در کوجه‌ها و خیابان‌ها به بازی و سرگرمی دیگر اشتغال دارند با وجود برنامه‌های سنگین که برای لااقل روزی پنج ساعت درس و سالی ۲۰۰ روز تحصیل تهیه شده امکان پیشروی برای شان نیست.

#### ۶- کثرت عده کلاس:

مشکل بهنگامی افزون ترمیشود که عده دانش‌آموزان کلاس هم بسیار و سزوصداها زیاد باشد که در آن صورت معلم کلاس ناگزیر است نقش مصوری را برای ساکت نگه‌داشتن کلاس ایفا کند. و انگهی اگر هم بخواهد به دانش‌آموزان کلاس برسد چنین امکانی برای او نخواهد بود. سر و صدای بسیار در کلاس، داد و فریادها خود سبب آن میشوند که فرد نتواند درس را بفهمد و همه حواسش متوجه جار و جنجال

#### ۲- کمک‌های ناروا :

برخی از پدران و به ویژه مادران در رابطه با کودک خود ابراز مهری بی‌حساب دارند بگونه‌ای که میخواهند به آنان کمک برسانند ولی ضرر میرسانند. فی‌المثل کودکی در کلاس اول ابتدائی است و هنوز درس و مشق خود را نمی‌تواند آماده کند. دیده شد که برخی از مادران برای آنها مشق رامینویسند و به مدرسه‌اش می‌فرستند. حاصل ادامه این شیوه سبب وارد آمدن ضربه و صدمه‌ای بوضع تحصیلش خواهد شد.

#### ۳- ضعف پایه درسی :

ما کودکانی رامی‌شناسیم که در کلاس پیشین دچار ضعف و عقب ماندگی شده‌اند، در اثر توصیه‌ها و سفارش‌ها، در درس ناخوانده و نفهمیده‌ای نمره گرفته‌اند و به کلاس بالاتر ارتقاء یافته‌اند و اینک که در مرحله‌ای بالاترند قادر به درک و فهم دروس جدید نیستند و بر عقب ماندگی شان افزوده میشود در صورتیکه اگر در کلاس قبل تجدیدی میشد و یاد در جامیزد دچار چنین وضع و موقعیتی نبود.

#### ۴- ضعف روش درسی :

ما معلمانی رامی‌شناسیم که شیوه و تجزیه‌ریزه‌ای نداشتند. اطلاع‌شان از برنامه‌اندک و تسلط‌شان بر روش و شیوه تدریس بسیار ناچیز است قادر نیستند که باره و روش درستی به القای مطالب خود بپردازند در نتیجه کودکان از درس

— های دیگران باشد .

موارد دیگری هم در این رابطه قابل ذکرند که  
اهم آنها عبارتند از :

— وقفه در تحصیل برای دانش آموزان که بگفته  
عوام باعث خواهد شد که پشت آنها باد بخورد .  
— تغییر در کادر مدرسه و روش و برنامه که مسئولان  
برای تسلط بر آن مدتها وقت لازم دارند و  
شاگردان وامی مانند .

— سنگینی برنامه که سبب میشود کودکان  
درس را نفهمند و از مباحث آن سردرگم شوند .  
— وضع سرما و گرما و نور و کیفیت نشستن کودکان  
در کلاس .

— نبودن انگیزه های مادی یا معنوی برای کودک و  
مفهوم نبودن علت درس خوانی و انجام تکالیف .  
— نفرت از معلم و عدم اعتماد به او و خواه بعلت  
ترسی که ایجاد کرده و خواه به علل دیگر .

— عقب ماندگی های اولیه کودک که سبب میشود  
حتی با تلاش های پیگیر وضع عادی خود را دریابد  
— وجود تبعیض در کلاس و بی میلی شاگردان به  
درس که سبب افزایش بی دقتی هائی میشود .

— تاخیر و رورودهای مکرر طفل به مدرسه و  
تنبیهات مکرر بدون اینکه ریشه و علت آن مشخص  
و یا رفع شود .

— بی توجهی معلم به کار و برنامه اش بخاطر  
بی میلی به این شغل ، عدم کفایت حقوق ،  
بیحوصلگی ، بی ماطلمکی و . . . .

شیوه ها در درمان :

عقب ماندگی درسی باید هرچه زودتر رفع و  
جبران گردد که در فرد تثبیت نشود و به صورت  
عادت در نیاید که در آن صورت امکان رفع و  
درمان آن بسیار دشوار خواهد شد . فرجام آن

۷- تعویض معلم :

گاهی مدارس وجود دارند که معلم ثابتی  
برای کلاسهای شان نیست . اولاً " مدتها از سال  
تحصیلی میگذرد و کلاس بدون معلم است .  
ثانیاً " روزی هم که معلم میاید در طول سال  
تحصیلی چند بار جابجا میشود ثالثاً " برای  
اداره کلاس بدون معلم امروز ناظم ، فردا مدیر  
روز پس دانش آموزی از کلاس بالاتر اعزام میشود  
کودکی که اهل سوء استفاده باشد از همه این  
شرایط بنحوی نامطلوب استفاده میکند و آنکس  
که ضعف درسی دارد بر ضعفش افزوده شده و  
عقب مانده باقی میماند .

۸- روش امتحان :

برخی از معلمان در امتحانات بسیار سختگیرند  
روش شان بگونه ای است که گوئی قصد دارند  
شاگردان را در امتحان به دام اندازند . از  
مطلبی که بسیار دشوار است و حتی در کلاس  
" کاملاً " به شاگردان تفهیم نشده سؤال امتحانی  
میدهند و در چنان صورت ملاحظه میشود که  
بالاترین نمره کلاس مثلاً " ۱۲ " است و طبیعی  
است آنها که بر اساس نمره کلاسی در باره  
شاگردان داوری میکنند آنها را به عقب ماندگی  
متهم نمایند . در صورتیکه لازم بود سوءالات  
امتحانی از سه دسته ساده ، متوسط و مشکل تهیه  
میشد تا امکان شناخت همه شاگردان فراهم  
می آید .



تن بروری، کربز از مدرسہ، ولکردی و درموردی  
فرارگرفتن در معرض سوءاستفاده‌هاست .

شیوه‌هایی که در درمان کودکان عقب مانده به  
کار می‌روند متنوعند ولی همه آنها در این اصول  
خلاصه میشوند :

۱- شناخت علل وانگیزه‌های عقب ماندگی که  
ناکتون راجع به کلیات آنها بحث شد . بدیهی  
است مادام که علت ها شناخته نشوند امکان  
تصمیم گیری و اصلاح برای آنها نخواهد بود . و  
در اینجا محدا " یادآور میشویم که گاهی علت  
عقب ماندگی ممکن است ناشی از دست بدست  
هم دادن چندین عامل باشد که آنها هم باید  
شناخته شوند .

۲- رفع و جبران علت‌ها بگونه‌ای که آنها از  
میان بروند . در این درمان گاهی نیاز مراجعه  
به پزشک به نظر می‌آید و زمانی هم بندگونی ،  
مشاوره ، تذکر ، همکاری ، همدردی ، تعبیر  
محیط ، کنترل معاشران ، ابراز محبت ، سر و  
سامان دادن زندگی طفل ، فراهم کردن وسیله  
زندگی ، یا کاستن از میزان اسباب بازیها ، کم

کردن عدد دانش آموزان کلاس ، اصلاح و  
تجدید نظر در روش تدریس ، اصلاح شیوه  
امتحان ، کاستن از میزان کار و کمک طفل به  
خانواده ، رفع اختلافات و درگیری‌های والدین  
رفع نعیض‌ها ، تعدیل محبت ، مراقبت در  
حضور و غیاب در خانه و مدرسہ ، ایجاد عزت و



غناي نفس و ...

۳- ايجاد انگيزه و رغبت در شاگرد براي توجه و مراقبت در كار درسي خود بصورتي كه بخاطر هدف و مقصدي تن به كار دهد . انگيزه ها مي توانند مادي ، معنوي و يا توائي از اين دو باشند .

۴- هدايت صحيح آنها : در اين مرحله از اصلاح ضروري است ضمن رفع نقايص گذشته در زندگي كودك به جنبه هاي زير هم توجه شود :  
- انتخاب هدفهاي زودرس براي كودك و جهت دادن او بگونه اي كه بر اساس آن به پيش رود و با دلگرمي برنامه اش را انجام دهد .

- بافتن نقاطي مثبت در زندگي او و تشويق او در اين رابطه بگونه اي كه موجبات اعتماد بنفس در آنان پديد آيد .

- كمك كردن به او به گونه اي كه خود بتواند در كارش تصميم بگيرد و شخصا " به پيش رود و قدرت اراده او نيرومندتر شود .

- استفاده بيشتر از توانائيهاي خاص او براي پيشرفت بيشترش در آن زمينه اگر چه در زمينه هاي ديگر عقب مانده باشد .

- تقويت مكرر او و دادن اطمينان به او بگونه اي كه احساس كند مي تواند به پيش برود و توانائي حاصل نمايد .  
- استفاده از مثالها و روشهاي متنوع در تدريس

و داشتن او به تكرر و داشتن صبر و حوصله در كار .

- و داشتن كودك به تمرين دقت تا او بصورتي عادي از مسائل نگذرد و كارش را سرسري نگیرد .  
- پاداش هاي فوري و ابراز محبت در جبران عقب ماندگي ها فوق العاده مؤثر است . اين شيوه را به كار گيريم .

- ايجاد آمادگي هاي متناوب در فرد از طريق و داشتن او به استفاده از هواي آزاد ، گردش و بازي و شرايطي كه سبب تمدد اعصاب در فرد خواهد شد .

- و در همه حال رعايت اختلافات فردي ، توجه به بهداشت جسمي و رواني ، راهنمائي و هدايت ، تكيه به تجربه ، انجام درس و برنامه از روي نقشه و مرحله بمرحله ، امتحانات مكرر ... ضروري است .

۵- تداوم در مراقبت : مراقبت مداوم از فرد عقب مانده ، تحريك مداوم ، ايجاد انگيزه هاي حديد ، اصلاح روشها ، كنترل همه جانبه او ضروري است و اين كار تا زماني بايد ادامه پيدا كند كه كودك در مسير درست افتد و كار صحيح عادت او شود . زيرا اين امكان وجود دارد فردي كه مزه تنبلي را چشده دوباره به وضع اوليش برگشت كند .

علم و نظم عبادتي است كه خداوند

بر من فرموده است .